

# پیکارگر

نشریه  
اتحادیه دانشجویان پیکارگر  
طرفدار آزادی طبقه کارگر

سال اول - دهم اوت ۱۹۸۲ شماره ۲

## انقلاب پرشکوه

کارگران و زحمتکشان ایران  
رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی  
رابه گورستان تاریخ خواهند سپرد!



حما سه پیکارگر شهید رفیق یعقوب  
کسب پرست در سبیده دم اعدام  
تاریخ شهادت ۱۹ / ۵ / ۶۰  
کاندید عضو سازمان محکومیت  
جای تیریز  
لحظات مرگ را انتظار میکشم ولی  
با این همه هیولا پیش در نظرم  
بقیه در صفحه ۲

## بحث آزاد

خرده بورژوازی و مجاهدین

از دو مجری:

انقلاب دمکراتیک

انقلاب سوسیالیستی

بقیه در صفحه ۱۱

## اطلاعیه

در باره وحدت "سازمان کمونیستی"  
پیکار "با اتحاد مبارزان کمونیست"  
بقیه در صفحه ۶

## نگاهی به عملکردهای خائسانه حزب توده عامل و کارگذار سوسیال امپریالیسم شوروی در ایران

هشدار به هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق  
(اقلیت) و سازمان راه کارگر  
(قسمت اول) - مقدمه

- سیاست سوسیال امپریالیسم شوروی در سطح ایران و جهان
- حزب توده یک حزب رونیو نیست عامل و کارگذار سوسیال امپریالیسم شوروی در ایران
- حزب توده و جنبش آذربایجان
- حزب توده و کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۲۲
- حزب توده و دفاع آن از رژیمهای امپریالیستی رژیم شاه در ایران
- حزب توده و جنبش ۱۵ خرداد
- حزب توده و قانون اساسی رژیم شاه
- حزب توده و سرنگونی رژیم شاه
- برخورد حزب توده به قهر و در این رابطه به مبارزه مسلحانه چریکی
- جاسوس پروری حزب توده و جریان عباس شهریاری
- حزب توده و جریان ژنرال بختیار
- حزب توده و جنبش دانشجویی

بقیه در صفحه ۲

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

نگاهی به ۰۰۰

حزب توده و قوام تیرهیز

سرخورد حزب توده به لیبرالها قبل و بعد از قیام

حزب توده و قیام بهمن ماه ۱۳۵۷

حزب توده و دفاع بی قید و شرط آن از رژیم سرمایه داری  
جمهوری اسلامی

حزب توده و جنبش مقاومت خلق کرد

حزب توده و مذهب

سرخورد حزب توده به دستگیری اعضا و رهبران حزب توسط

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

شکرت های جدید حزب توده بعد از اعتراف رهبران  
آن به جاسوسی برای سوسیال امپریالیسم شوروی .

مقدمه :

دستگیری رهبران روزینو نیست و خائن حزب توده توسط رژیم

سرمایه داری جمهوری اسلامی و آوردن آنها به تلویزیون و اعتراف

به جاسوسی به نفع سوسیال امپریالیسم شوروی بحثهای متفاوتی را

در درون اپوزیسیون دامن زد . هر کدام از نیروهای اپوزیسیون

بنا به ماهیت طبقاتی خود برخورد های متفاوتی را به حزب توده

کردند . و حزب توده هم بنا به ماهیت ضدانقلابی خود همچنان و

مثل همیشه و برسم تمام روزینو نیستهای تاریخ سیاست جدید را

در پیش گرفت و روش خود را از واقعه ای قبلی تا واقعه جدید تغییر

داد و با حوادث روز تطبیق حاصل نمود . روزینو نیستهای خائن

توده ای که چهار سال تمام با تمام قدرت و توان بخاطر نفوذ در

هیئت حاکمات جنگلیات رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی دفاع کرده

و برای جلادان رژیم خمینی به جاسوسی ، خبرچینی ، پرداخته

و مبارزین ضد امپریالیست و انقلابی بویژه کمونیستها را لو داده و

هر گونه شکنجه و اعدام و زندان را در ایران حاشا نموده تجاوز و

به دختران ۹ ساله و اعدام نوجوانان ۱۲ ساله و در زیر شکنجه

بمقیه در صفحه ۲

حطاسه ۰۰۰۰۰

هیچ مهاید ولی وقتی به رویز

یونیسیم در جنبش می اندیشم به

تنم لرزه می افتد . امروز به اینجا

رسیده ام که دشمن بزرگ ما همانا

روزیونیسیم ( خروشچفی یا سه

جهانی ۰۰۰ ) میباشد . سفارش

این است که رفقا سازش نپذیر

و بی رحمانه بر علیه روزینو نیسم چه

در درون و چه در بیرون سازمان

مبارزه نمایند که اخیرا بیانیه ۱۱۰

گرایش روزینو نیستی را به اشکارتر

پن صورت نشان میدهد . سفارش

من این است که خون شهدا را

نگذارید مانند " اکثریت " و نیغه

روزیونیسیم نمایند ، بلکه خون

شهدا را بعنوان سلاح برنده ای

برای نابودی روزینو نیسم بکار گیرند .

امروز با آنکه سازمانهای مختلف

ادعای پیشاهنگ بودن را دارند

ولی واقعیت این است که ما از

بستر مبارزه طبقاتی دور افتادیم .

بجای کار سوسیال دموکراتیک ،

برعکس آن را انجام میدهم ،

یعنی میخواهم کار دموکراتیک

سوسیال بنانم .

این هم عدم درک صحیح ما را از

مارکسیسم - لنینیسم نشان میدهد

بمقیه در صفحه ۲

مرگ بسو امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی

نگاهی به ...

حطاسه ....

و تاریخ چند سال جنبش هم انحرافی بودن این مسله را نشان داده است سفارش من این است که رفقا با مرزبندی دقیق با اکونومیسم، به مفهوم واقعی آگاهی سوسیالیستی و تشکل و حصول وحدت را به درون طبقه ببرند، چون برای رنجبران جهان يك راه چاره وجود دارد آنهم آگاهی و سازماندهی پرولتاریاست. رفقا! این کار، کار پر حوصله

و عموماً درازی است و برنامه ریزی

میخواهد. سفارش من به این رفقا

این است که بیشتر و بیشتر در این

مورد فکر نمایند و همچنین سعی

نمایند از نظردانش پرولتاریای آگاه

را بالا بکشند.

در زمینه تصفیه و ارتقا اخیرا يك

دید و حرکت انحرافی عمل میکند

عناصر سازشکار راست، اصل عمل

را چند صباحی (مورد) تاخت

و تاز خویش قرار داده که ساده

ترین اثرش نمونه هولناک اخیر بود

و از طرف دیگر، نقض وحدت در

درون. سفارش من به رفقای آگاه،

استوار، روی مبارزه ایدئولو

ژیک جهت زدودن انحراف این رفقا

و در صورت عدم حصول تصفیه

و طرد این عناصر و جریان. سفارش

بقیه در صفحه ۴

کشتن پدران ۷۰ ساله و مادران باردار را ساخته و پرداخته "ضدانقلابیون" قلمداد کرده بودند یکدفعه به نوشتن مقالات متعدد پزشکی پرداخته و در خصوصیات داروهای شیمیائی صحبت کردند که رهبران مرتد و خائن چون کیانوری را بزانودرآورده بودند. و عجب هم بود که این داروها هم فقط میتوانستند بر روی "پهلوان" پدر و سایر خائنین توده ای و وادادگان دیگر اثر کرده و نتوانسته بودند اراده پولادین انقلابیون راستین و کمونیستهای حطاسه آهنین چون تقی شهرامها، محسن فاضلها، سیمین طباطبائیها، هارنگ رحیم زادهها، سعید سلطانیورها، و هزاران شهید پاکبخته خلقهای قهرمان ایران که به آرمان

زمختشان و طبقه کارگر و فادار ماند، بیدند بشکنند و تاثیر بگذارند.

و برحسب معمول و بفرمان کرملین نشینهای مرتد همه روزیونیستها

وارد و گاه سوسیال امپریالیسم شهری و افتارش بصداد آمدند و

جلساتی متعددی در دفاع از "حقوق بشر" در ایران تشکیل دادند

و به تخریب تحلیل داروهای شیمیائی پرداختند و باصطلاح از

حقوق انسانها دفاع کردند. اینها که علناً به جاسوسی برای رژیم

سرمایه داری جمهوری اسلامی میپرداختند و انقلابیون را لوداده

و آنها را دسته دسته به سلاخ خانهای رژیم سرمایه میفرستادند.

یکدفعه به یاد دفاع از حقوق بشر افتادند. البته اگر رژیم خمینی

کیانوری این روزیونیست کبیر و مرتد را دستگیر نمی کرد هنوز از

نظر اینها حقوق انسانها در ایران پایمال نشد. بود، هنوز

باز هم از شکنج و زندان خیری نبود زندان و شکنجه زمانراز

نظر این خائنین در ایران انجام گرفت که رژیم جهل و سرمایه

رهبران خائن حزب توده را دستگیر کرد. زنده زنده دفن کردن

انسانها تجاوز به دختر بچه های ۹ ساله توسط لاجوردی و غفاری

از نظر اینان يك مبارزه "ضدامپریالیستی" محسوب میگردد و

اصولاً حق رژیم "ضدامپریالیست" هم بوده که همه این جنایات را

بقیه در صفحه ۴

فابو و بادسلطه سرمایه

نگاهی به ۰۰۰

تحت عنوان مبارزه علیه امپریالیسم انجام دهد چرا که از نظر این خائنین همه آنهاش که به خودشان و حقوقشان تجاوز شده بود ضد انقلابی بوده و تازه هم این جنایات از نظر این مرتدان ساخته و پرداخته امپریالیستها ی خبری بوده است. این خائنین رذالت و پستی را بدانجا رسانند که ملنگ خلخالی جلاد و قاتل هزاران فرزند راستین خلق کرد را کاندید خود در تمام ایران کردند تا با پشتیبانی اردوگاه امپریالیسم شوروی و مزدوران ایرانی اش بهتر بتواند به وظایف ضد انقلابی خود ادامه دهد.

در یکلام حزب توده و اربابان روسی شان برای نفوذ در هیئت حاکمه به مدت ۴ سال از رژیم دفاع کردند که بعد جنایات و بربریت و وحشیگری اش به شک در تمام تاریخ بشری بیسابقه بوده است. و دست آدم سوزان هیتلری را از پنت بسته و تمام اخلاق و فضایل انسانی را لگدمال کرده و مادران را علیه فرزندان و فرزندان را علیه والدینشان به جاسوسی و خیرچینی و داشته است اینها بنا به ماهیت رویوی نیستی شان و بخاطر نفوذ در هیئت حاکمه و تبدیل ایران به افغانستان رژیم ضدانقلابی و وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را غیر وابسته و انقلابی نامیده و چنان تو جیها ی ضد امپریالیستی برای رژیم سرطانی درست کردند که در دکان هیچ

شارلاتانی پیدا نمیشد. این رویزیونیستهای جاسوس سوسیال امپریالیسم شوروی رژیم را ضد امپریالیستی قلمداد کردند که ذخائر ملی را به باد فنا داده و سرچاهای نفت را باز کرده و با قیمت های ارزان و مجانی در اختیار امپریالیستها و صهیونیستها

گذاشتند. از زرادخانه های امپریالیستی گوناگون و صهیونیستی برای سرکوب مردم اسلحه خریدند. هر چه بیشتر زنجیرهای وابستگی را کلفت کرده، برای صدور ایدئولوژی متحجر و ارتجاعی خود و برای حفظ رژیم منحوس خود جنگی خانان سوزانه را ادامه داده که نتیجه اش وارگی و بیخانانی میهنها توده زحمتکش در ایران و عراق گردید

بقیه در صفحه ۵

حسابه ۰۰۰۰  
من به رفتاری آگاه و مسئول این است که در حرکت خویش سنجیده (و عمل کنند) ۰۰۰ لازم است که در سازی را از نظر دور ندارند انحرافی عظیمی که در جنبش ما بوده همان عدم توجه به کادر سازی و برخورد از بالا و برخورد اتیک بود که این انحراف هم یکی از انحرافات عمده بورژواژی می باشد به رفتا سفارش من این است که همواره اصول را توأم با عمل انقلابی بیا موزند و آموزش دهند. وقت خوش را نه در راه بروکراتیسم، بلکه در راه حرکت اصولی صرف نمایند که در سازبان خطا صولی این نمی بود. کانال اصلی انحراف با آن خائنین میباشد. سفارش من این است که از مجازات اعضاء خائن غفلت نورزید. من در حق پدر و مادرم ۰۰۰ با آنکه سعی کرده ام بدی نکنم ولی اساساً بعنوان یک مارکسیست لنینیست در حد خودم مارکسیست - لنینیستی برخورد نکردم. امید دارم و سفارش من این است که رفتای مسئول در تفهیم این مهم بیخانواده ام باری نمایند. سفارش من به تمامی رفتای مبارزان این است که مبارزه را تا حصول سو سیالیسم و مبارزه بر علیه رویزیونیسم بقیه در صفحه ۵

زندگی و مسائل

نگاهی به ...

بجای دفاع از جنبش خلق قهرمان فلسطین به کارشکنی در جنبش فلسطین دامن زدند. صدیق ترین فرزندان ضد امپریالیست خلقهای ایران را که خیلی از آنها در زندانهای رژیم شاه خائن این قره نوکر امپریالیسم امریکا به بند کشیده شده بودند و باره به زنجیر کشیدند و اعدام نمودند. شکنجه را به حد اعلائی خود رساندند، از فتودا لها و اربابان در مقابل دهقانان دفاع نمودند و مبارزات دهقانان را به شدیدترین وجهی سرکوب نمودند. دانشگاهها را بسته و آنها را به زندان و شکنجه گاه تبدیل نمودند. به خانه های زحمتکشان بفرست بردند. قوانین مافوق ارتجائی را در رابطه با قانون کار و کارگران بتصویب رساندند. زبان کارگران را بریدند آنها را بنام کمونیست و ضد دین به صلیب کشاندند. ابتدائی ترین حقوق زنان را باطل کرده و حتی حقوقی که زنان با مبارزات قهرمانانه خود از دولتهای پیشین بدست آورده بودند و حتی به رژیم شاه تحمیل نمودند بودند نیز پا گذاشته و در این رابطه فجیعترین جنایتها را انجام دادند. تمام مبارزین ضد امپریالیست و انقلابی و کمونیست را از ادارات پاکسازی کرده به زندانها و شکنجه گاهها فرستادند. بیکاری را دامن زده و ضح اقتصاد و زحمتکشان و توده های ستم دیده ایران را چنان وخیم کردند که امروزه همه در فلاکت و بدبختی بسر میبرند. اقلیتهای مذهبی را با شکنجه و فشار یا مجبور به قبول ایدئولوژی پوسیده خود نموده و یا بعنوان "ضد انقلاب" به گلوله بستند. به سرکوب خلقها بویژه خلق مبارز کرد پرداخته خانه و کاشانه آنها را با خاک یکسان نمودند و دسته دسته از آنها را به گلوله بستند و آنها را در محاصره اقتصادی قرار دادند بجای نان و آب خمپاره و گلوله نظرشان کردند. وضع بهداشت و دارو را چنان بهم زدند حتی قرص آسپرین پیدا نمیشود و دریکلام آنها رژیم را ضد امپریالیست نامیدند که تمام اهداف امپریالیستها را در ایران بهتر از نوکران سابق به اجرا درآوردند.

آری حزب توده چنین رژیم را ضد امپریالیست و مرفعی قلمداد کرد  
بقیه در صفحه ۶

حاصله ...

نیم در تمام شکل آن ادامه دهند  
مبارزه جدی علیه انحرافات اساسی

جنبش ۰ ل میهن و مبارزه  
جدی بر علیه گرایش روزیو نیستی

سازمان ۰  
پیش پستی آگاهی و شکل  
دادن پروتاریا تا ایجاد حزب

طبقه کارگر!  
ساز بود یاد روزیو نیم از جنبش

۰ ل جهانی!

هر توان یاد جنبش انقلابی

جهانی بر علیه بهره‌روازی و روزیو

نیم (خروشچیفی و سه جهانی)

سلام گرم به تمامی رفقای پاک

ورزنده!

سیر افزاشته یاد پرچم مبارزه

ایدئولوژیک!

یعقوب کسب پرست

اطلاعیوم ...

ایمان دفاع نکرده و همراه اینها نرفت

همه جناحها م درون سازمان بیکار بنویس

با اینها مرزبندی داشته اند.

نشان کمونیسم راستین، قطع رابطه با

اپورتونسم است! (ننین)

اتحادیه دانشجویان بیکارگر

طرفدار آزادی، طبقه کارگر ۱۰ اوت ۱۹۸۲

نشان کمونیسم راستین، قطع رابطه با اپورتونسم است! (ننین)

و تمام این شکردها و شارلاتان بازی را برای رسیدن به یک هدف اساسی یعنی نفوذ در هیئت حاکمه و دشمنی با خلقهای ایران انجام داد. و این دشمنی و خیانت آنها به آرمانهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی خلقهای ایران و به ویژه طبقه کارگر میهنان تاریخچه بس طولانی دارد و این حزب هرچاشی میراث خیانت به دوشل از مبارزات راستین را بدوش میکشد. نیروهای آگاه خلق از حزب توده این عامل سوسیال امپریالیسم شهری که سالها شرافتشان را در گرو رولهای روسی گذاشته اند و برای نگرانی در خدمت سوسیال امپریالیسم شهری به هر شیوه مبتذلی دست زده اند انتظاری بیش از این نداشتند. آنها چه در گذشته و چه حالا به ماهیت اینها پی برده اند. آنها خیانت جاسوسی و خیرچینی آنها را در کارخانه اداره مدرسه دانشگاه... با پوست و گوشت خود لمس کرده اند. آنها هیچ انتظاری از روزیو نهستهای که در رسانه های گروهی «علنا» از هوا داران خود خواسته اند که به جاسوسی و خیرچینی برای رژیم جمهوری اسلام برودارند نداشتند. آنها انتظار نداشتند حزبی که ۳۰ سال تمام به خلق خیانت کرده از خلق دفاع کند و در یک کلام آنها از ضد انقلاب انتظار نداشتند که از نیروهای انقلابی و انقلاب دفاع نماید. یاد آوری و تکرار و شمردن خیانتهای این مزدوران سوسیال امپریالیسم در اینجا عددی هشدار به هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق (اقلیت) و سازمان راه کارگر میباشد که سازمانهای مادرشان سیاست این عاملین سوسیال امپریالیسم شهری را از سیاست شهری جدا نموده و در اینجا و آنجا اینها را دوست خلقهای ایران قلمداد میکنند و یا بعضی از جریانهای بورژوازی - لیبرالی از جمله شورای ملی مقاومت که چشمهای خود را به خارج از مرزهای ایران دوخته و از توده ها بریده اند در برخورد به حزب توده از برخورد به شهری سرفتنظر مینمایند و بدین ترتیب هر دو جریان برده روی سیاستهای سوسیال

بقیه در صفحه ۷

## اطلاعه.....

برچمدار دارکسیسم انقلابی در سازمان پیکار یا نماینده اپورتو نیسم راست اخیراً "کارگر کمونیست ۳ رگان" اتحاد مبارزان کمونیست در سطح ره خود بنامیه ای تحت عنوان پیوستن "سازمان کمونیستی پیکار" به اتحاد مبارزان را بجا پ رسانده که ماهیت اپورتونیستی خود و با اصطلاح "سازمان کمونیستی پیکار" را بنمایش گذاشته است.

راجع به مشی و برنامه و سیاستهای اپورتونیستی و خرده بورژواشی اتحاد مبارزان و درک کائو تسکیستی و التنا طی آنها از امپریالیسم، از سراطیه داری ایران، از ساخت اقتصاد و اجتماعها همع ایران، از یوپو نیسم و روزیو نیسم و برخورد آنها به رفیق استالین و بالاخره حزب بازی شان را در فرصتهای بعدی صحبت خواهیم کرد آنچه که مورد نظر ما در این اطلاعات است توضیح مختصر در باره شکرده جدید این گروه و متحدین جدید اپورتو نیستشان میباشد. این ته ماند های جنبش خرده بورژوازی و چپ ایران بعد از همه این اتفاقات و بلاهایی که بسر جنبش و ساز

بقیه در صفحه ۷

افتخار بر رفتاری شهید بیشتری که تا آخرین نفس به پیکار طبقه کارگر ظاهر ماندند

از شیوه اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

نگاهی به ...

امپریالیسم شوروی انداخته و دست شوروی را در انتخاب نیکر جدید بعد از بی آبرو شدن حزب توده در ایران باز میگذارند. اینها بعد درست آن حلقه اساسی یعنی وابستگی حزب توده به شوروی و دیکته کردن سیاستهای آن توسط شوروی بآن را فراموش میکنند آنها فراموش میکنند روشن نمانند که چگونه است که کیانوری با اصطلاح "ماتریالیست" دواشته یکشبه مذهیبی میشود و عمده پسر میگذارد و ادعا میکند که "سوسیالیسم و اسلام از پایه تفاوت چندانی با هم ندارند" و دنبال نکات مشترک بین مذهبکمونیسم میگردد و ببرک خان "کمونیست" برای فریب توده ها و زحمتکشان افغانستان به مسجد میروند و در آنجا نماز میگذارد و به عبادت "خدا" میپردازد و یا چگونه است که خمینی و دارودسته اش در ۱۵ خرداد ناپینده مرتجعین و فئودالها و عقب مانده ترین اقشار جامعه قلمداد شده و همان خمینی بعد از قیام ۲۲ بهمن ناجی ایران، انسان نمونه، رهبر با لیاقت، انقلابی فنانا پذیر، ضد امپریالیست کبیرنا میده میشود. و یا صادق خلخالی در ۱۵ خرداد مخالف سرسخت آزادی زنان و "اصلاحات مترقی" شاهانه که مورد تأیید شوروی و حزب توده بوده و امروز کاندید حزب توده در تمام نقاط ایران میگردد. آری همه این شرکده های حزب توده در خدمت سوسیال امپریالیسم شوروی و سیاستهای آن انجام گرفته و میگرد و بدان جهت جدا کردن سیاست حزب توده از سیاست شوروی اگر خود فریبی نباشد عوام فریبی است. نیکر را ضد انقلابی و روزبه نیست دانستن و اریاب را انقلابی و دوست خلقهای ایران قلمداد کردن و از اردوگاه سوسیال امپریالیسم، اردوگاه سوسیالیسم ساختن در تحلیل نهائی ریختن آب تپه پروری حزب توده و اریابانش میباشد. و ادامه این سیاست در تحلیل نهائی ان گروهها سازمان را به کارخانه روزبه نیست سازی بدل کرده و آنها را در خدمت سوسیال امپریالیسم شوروی قرار خواهد داد. اگر درک این مسئله برای هواداران اقلیت و راه کارگر خیلی مشکل است، بهتر به

بقیه در صفحه ۸

اطلاعیه ...

انهای آن آمده یا لاخره نیا موختند که طبقه کارگر و زحمتکشان را با مشی های خرده بورژوازی و اهر تون نیستی و به شیوه ها و مبتذل گذشته نمیتوان رهبری کرد، برای هدایت و رهبری طبقه کارگر و زحمتکشان علاوه بر خط مشی کمونیستی، (کفاینها) هیچ وقت نداشتند) که در پروسه و براتیک مبارزه بین امان پرولتاریا و کمونیستها علیه بورژوازی بدست میاید بلکه صداقت کمونیستی هم لایست اینها در بیانیه اهرتون نیستی شان بعد و برای ایجاد توهم در بین توده ها با هیت و هویت خود را پوشانده و نبود را بعنوان پرچمدار مارکسیسم انقلابی در سازمان پیکار جا میزنند. اینها می نویسند "از یکسو ما خود را پرچمدار مارکسیسم انقلابی، در سازمان پیکار میدانستیم که وظیفه دارد بحران سازمان را بشنغد" مارکسیسم انقلابی فیصله دهد ..... (از بیانیه وحدت و تکیه از پیکار) کسانی که مختصر اطلاعی از بحران درون سازمان پیکار و بخشهای درونی آن داشته باشند و اعلامیه های توضیحی متفاوت چنانچه ای مختصما کتاب رفیق شهید لورنگ رحیم زاده "رفرما انقلاب" را خوانده باشند حتما با نظریات اهر تون نیستی جریان بنام ۱۱۰ درون سازمان باقیه در صفحه ۸

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازن

نگاهی به ...

پروژه نفوذ شهری در افغانستان و کودتا های بی در پی آنرا از نظر بگذرانند و ببینند که چگونه شهری و کارگزارانش پرچم خلق نکات مثبتی در محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان پیدا کردند و بعداً داود خان فئودال و مرتجع را مرتقی و ضد امپریالیست نامیدند و بعداً باند های خود را یکی بعد از دیگری بوسیله کودتا سرکار آوردند و بالاخره به اشغال افغانستان پرداختند .

امپریالیستهای غریب و در راس آنها امپریالیسم امریکا و یادی آنها از یکطرف و امپریالیسم شهری و واقارش از طرف دیگر و هر دو با اهداف مشخص خود این ایده ارتجاعی را بین توده های مردم و بهره زحمتکشان میبرند که باید یک تکیه به یکی از اینها بکنند و بتواند خود را از قید بلوک دیگر نجات داد . اینها آگاهانه این سیاست را تبلیغ میکنند که هر کس با آمریکا نباشد با شوروی است و هر کس با شوروی نباشد با آمریکا است و با این سیاست ارتجاعی توده را از انقلاب میترسانند و برای اثبات درستی این سیاست ارتجاعی کشورهای را مثال میزنند که در آنها بصلی جریانهای بورژوازی و یا خرده بورژوازی روی کار آمده اند و اینها بعداً ماهیت بورژوازی این جریانها را بیفراموشی میسازند اینک رژیمهای بورژوازی وابسته به امپریالیسم مثل ایران بعلمت ماهیت سرمایه دارانه شان در خدمت امپریالیسم قرار گرفته و بالاخره به یکی از بلوکها متعلق میشوند شکی نیست . ولی این بمعنای این نیست که یک حکومت انقلابی که به توده ها تکیه داشته باشد نمیتواند مستقل از این قدرتتها براه خود ادامه دهد ما اینها با این تبلیغات ارتجاعی توده های زحمتکش و بهره طبقة کارگر را از تکیه به نیروی خود دلسرد مینمایند و به آنها میگویند که اتکا به نیروی خود فایده ندارد باید طرفدار شهری بود تا خود را از چنگ امریکا خلاص نمود و یا برعکس در واقع اینها کشورها را بهم باس میدهند و وقتی چهره یکی برای توده های آن کشور شناخته میکرد دان

بقیهد در صفحه ۹

اطلاعه ....

زبان پیکار آشنائی دارند و اینها همان جریان معروف ۱۱۰ میباشند که بیانیه روزی نیستی را در پیکار شماره ۱۱۰ فرموله و چاپ کردند و حق مورد خشم و نفرت اکثریت عظیم توده های سازمانی قرار گرفته و از ترس توده های سازمان به آغوش متحدین اپورتونیست خود پناه بردند تا بار دیگر با لباس جدید سیاستهای اپورتونیستی را بپاوه کنند . اینها

که به دروغ خود را پرچمدار مارکسیسم انقلابی در سازمان پیکار جا میزنند در درون سازمان پیکار همیشه راستترین مشی را نمایندگی کرده اند که نقطه او و این آن فرموله بیانیه روزی نیستی ۱۱۰ میباشد . این بیانیه روزی نیستی با نگرین نقطه نظرات اپورتونیسم راست ، بصورت آشکار میباشند محتوای اساسی این بیانیه را بطور فشرده میتوان در برخورد روزی نیستی به رژیم حاکم و تبلیغ شعار " تعرض طبعه حزب جمهوری اسلامی " به جای تبلیغ سرنگونی کل رژیم جمهوری اسلامی ، برخورد روزی نیستی به دموکراسی و تبلیغ لیبرالیسم بورژوازی بجای دمکراتیسم ، برولتری ، برخورد روزی نیستی به تاکتیک و مخدوش کردن صف انقلاب و ضد انقلاب مخلص نمود بیانیه ۱۱۰ با زهر پاکلاشتن آموزشهای بقیهد در صفحه ۹

هیچ جنبش انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نخواهد رسید. "لنین"



نگاهی به ۰۰۰

دیگری جای آنرا نمیگردد. درست این هسته اساسی این سیاست ارتجاعی است. ولی انقلابیون و نیروهای آگاه خلق میدانند که با تکیه به یک امپریالیسم نمیتوان از قید امپریالیسم دیگرها کردید و آنها میدانند که تنها راه رهایی زحمتکشانی زیوغ سرمایه و امپریالیسم تکیه به نیروی لاپروا توده های زحمتکش پویز طبقه کارگر و مرزندی قاطع با تمام امپریالیستها و ارتجاعیین جهان امکان دارد.

سوسیال امپریالیسم شوروی از یکطرف بخاطر موقعیت استراتژیک مهم ایران و از طرف دیگر بخاطر قدرت ثروتیهای بیکران این کشور از مدتها قبل سعی در نفوذ در ایران داشته و دارد. از تأیید اصلاحات شاه گرفته تا فروش اسلحه بایران در زمان شاه قرارداد های گاز ذوب آهن و غیره همه در زیر لوای "همزیستی مسالمت امیز" راه رشد غیر سرمایه داری، "گذار مسالمت آمیز" از طرف نوکران پو میسجینی حزب توده توجیه و تفسیر میشد. از آنجا که رژیم شاه تا مغز استخوان به امپریالیسم امریکا وابسته بود و شوروی هر چند بسیار کوشید نتوانست بطور دلخواه در ایران نفوذ کند و عمدتاً در پی کسب امتیازات تجاری و عقد قرارداد های اقتصادی بود. ۰۰ بود این دوران (بعد از ۴۱) از روی بط ایران و شوروی شامل تیانسی و رقابت برای چپاول معادن ایران توسط امپریالیستها و از جمله سوسیال امپریالیسم شوروی بود.

در سالهای ۵۷ - ۵۶ همزمان با اوجگیری جنبش سیاست سوسیال امپریالیسم بطور روزانه تغییر میکند و رفته رفته دست از حمایت شاه بر میدارد و سعی در نفوذ در جنبش مینماید.

این دولت که حتی بعد از جمعه خونین (۱۷ شهریور) دولت و رژیم شاه را تأیید میکرد، کم کم دست از حمایت شاه میکشد. بعد

بقیهدر صفحه ۱۰

اطلاعه ۰۰۰۰

اساسی مارکسیسم سلفینیم در زمینه تحلیل از دولت پهنان یک دستگاه سرکوب طبقاتی، باین نتیجه ضد مارکسیستی میرسد که چون حزب جمهوری اسلامی ابزارهای اصلی سرکوب را در دست خویش متمرکز نموده (و این واقعیتی انکارنا پذیر است) بنا بر این تشدید سرکوب سیاست "حزب" است و فقط باید به مقابله با حزب و نه کل بورژوازی حاکم (که حزب نیز بخشی از آنست) برخاست و آگاهانه فراموش مینماید که این سیاست سلفینی طبقاتی است که توسط ابزار سرکوب (ارتش پاسداران ۰۰) همین طبقه بورژوازی اعمال میگردد و این مسئله که بخشی دیگری از بورژوازی (لیبرالها) در تصمیم گیریهای سرکوب به طر مستقیم دخالتی نداشته باشند در اصل مسئله تغییر نمی دهد و بعلاوه حزب تنها بخشی از دولت جمهوری اسلامی بوده و مبارزه با "حزب" و حتی نابودی آن مرکز بقا به نابودی و درهم شکستن ماشین دولتی حاکم نمیشد. بیانیه بالا با مطرح کردن چنین شعارها ی اپورتونیستی مینماید، ماشین دو بقیه در صفحه ۱۰

**جنگ ارتجاعی میان سرمایه داران دو کشور، برای توده های ایران و عراق فقط فلاکت و بدبختی ببار آورده است**

نگاهی به ...

از فرار و سرنگونی شاه دیدیم که رادپو مسکو برنامه های مذهبی میگذاشت و سفر حسن نیت مفرستاد . بدین ترتیب میبینیم که سوسیال امپریالیسم شوروی در وجود ایران بعد از قیام امکان یافتن حربه ای برای تضعیف رقیب امریکائی خود مشاهده میکند و با تلاش فراوان سعی میکند که به حاکمیت در ایران نزدیک شده و برای این منظور کمیته مرکزی ، بطایفه کارگذار سوسیال امپریالیسم در ایران هدف خود را جلب اعتماد ، نزدیک ، همکاری و کلاً نفوذ در قدرت سیاسی حاکم قرار میدهد و برای انجام چنین هدفی از هیچ کاری فروگذاری نمیکنند . مثلاً در هنگام تقدیم استوارنامه مکرری به برنژف وی یادآور میشود که : " مبارزه شجاعانه مردم ایران علیه رژیم مستبد شاه و نیروهای امپریالیست برای استقلال ملی و آزادی ، علاقه و قومی مردم شرویی را برانگیخت . در ایام سخت انقلاب ایرانیان ، اتحاد شرویی با اطمینان و بدون شبهه علیه هرگونه دخالت خارجی در امر ایران ۱۰۰۰ اخطار کرد " .  
( مردم شماره ۲۱-۲۲ خرداد ۵۸ )

ایا مگر همین دولت شوروی نبود که تا قیام از رژیم حمایت میکرد و به آن اسلحه میفروخت؟ حال چطور شد که یکدفعه از نظر اینها شاه مستبد و ضد مردم شد .  
زمانی بلندگوهای رادپو مسکو و مزدوران کمیته مرکزی ، از اصلاحات ترقی خواهانه شاه صحبت میکردند و بعدا همین حرفها را در شأن رژیم جمهوری اسلامی زدند .

سوسیال امپریالیسم و زکوران بوسه شان برای نزدیک تر شدن به قدرت حاکمه بدترین دشمنها را به نیروهای انقلابی دادند و آنها را داخل ساواک و صهیونیست ها ، امریکائی ، ... نامیدند و با زدن ماسک مذهبه فریب توده ها برداختند و حتی در مقابل دشمنهای بهشتی و سایر رهبران ارتجاعی جمهوری اسلام که طناً اینها را خائن مینامیدند دم نزدند و از آنها بعنوان شهید بقیصر صفحہ ۱۱

اطلاعیم ...

لشی جمهوری اسلامی را در کلیت آن از شهر رسا انقلاب توده ها مسون نهادارد و در پوشش سرنگونی حزب جمهوری اسلامی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و نابودی کل دستگاه دولتی همراه با ضامن آنرا بدست فراموشی بسپارد . نینسیم با میاموزد که فریاد زدن در دفاع از " دکراسی بطور کلی عملاً دفاع از بورژوازی و منافع آن بعنوان طبقه استثمارگر است . درک کمونیستها از مقوله دکراسی آن " دکر اسی ناب " نیست که لیبرال منشانه و بدون در نظر گرفتن محتوای طبقا طی این دکراسی مطرح کردد . کمونیستها میسرند چه کاری برای که و کدام طبقه برای اقلیتی از سرمایه داران و ثروتمند ان استثمارگر و مفتخوار یا برای اکثریت کارگران و زحمتکشان جامعه ؟ برای طبقه کارگر و زحمتکشان آزادی اجتهاطات یا آزادی ملبوعات و یا آزادی ... بطور کلی و عام و مجرد مطرح نیست ، زیرا که دکراسی و دیکتاتوری در جامعه که به طبقات تقسیم شده است قطعاً محتوای طبقا طی دارد . بنا بر این روشن است شعار کمونیستها در مورد دکراتیسیم و دکراسی ، بطور تنگ تنگی ، درارتباط با مبارزه طبقا طی میباشد . بقیصر صفحہ ۱۱

## بیزوزباد جنبش انقلابی خلق کرد

نگاهی به ....

خلق انقلابی بزرگ، مظهر ضد امپریالیست نام بردند تا جای پای برای اربابان خود بازکنند. در یک کلام بقول لنین آنها بخاطر مافح تنگنظرانه خود حتی قضایای بدیهی هند سو را هم نفی کردند. و چالوسی را بحدی رساندند که تکلیک نشریات حزب از نشریات رژیم برای خواننده مشکل شده بود و واقعا داشتند از پله های منبرهای مسجد ها بالا میرفتند که باند های رقیب (سیا) خنجرها را کشیده باند های ک.ک.ب (ایشیا) را به شیوه مافیائی تکه تکه کردند.

بگذار امپریالیستها مزد و نشان برای غارت میهنان و بخاطر سرکوب خلقهایمان بجان هم بافتند و همدیگر را پاره پاره کنند.

زحمتکشان میهنان بجزه طبقه کارگر قهرمان ایران که ضربات سنگینی را متحمل شد. بهترین فرزندان خود را از دست داده بار دیگر ایندفعه با درس آموزی از گذشته با طرد آلتزنا تپوهای بورژوازی از جمله شورای ملی مقاومت با برض از اهرتو نیستها و ایجاد ستاد رهبری کننده خود رژیم سرطانیه داری جمهوری اسلامی را سرنگون و انقلاب را به پیروزی رسانده پرچم ظفرنمن سوسیالیسم را در دستهای خرم ایران با هتزاز در خواهد آورد.

— رنگون باد رژیم سرطانیه داری جمهوری اسلامی

— مرگ بر دار و دسته خائن و ضد انقلابی حزب توده

— زنده باد سوسیالیسم

(ادامه دارد)

بحث آزاد

توضیح پیکارگر

هدف از باز کردن ستون بحث آزاد در نشریه پیکارگر از یکطرف فدامن زدن به مبارزه ایدئولوژیک در خدمت جواب دادن به مسائل کرمی در شرایط طغعلی و از طرف دیگر در جریان قرار دادن رفتای پیکارگری که در اثر تلاشی سازمان پیکار و گسستن بقیعد رصفحه ۱۲

مطرح کردن شعار آزادیهای دموکراتیک بدون طرح شعار سرنگونی کل ماشین دولتی تنها و تنها در خدمت بورژوازی بوده و شعار بورژوا لیبرالی میباشد. بیانیه ۱۱ با طرح نقطه نظر انتضی نظیر اینکه "پرولتاریا و دیکراسهای انتضی میباشد شکل مبارزه - صخرها حول دفاع از آزادیهای دموکراتیک بر روی حزب جمهوری یعنی نیروی اصلی و تعیین کننده روند سیاست رژیم متمرکز نمایند." و در حقیقت بگوگردان همان شعارهای بورژوازی لیبرالیها و مجاهدین را در زمینه "خلعید از حزب حاکم" تکرار مینموند.

بیانیه ۱۱ میکوشد با طرح مسئله "تاکتیک" رفرمیسم گنبدیده لیبرالی را جایگزین انقلاب نماید. بیانیه در مورد مقوله تاکتیک نیز "فراموش" میکرد که تاکتیک همیشه در ارتباط با استراتژی و تابع آن بوده و بیمنان جزئی از یک خطمشی پرولتری اتخاذ میکرد.

بیانیه پیکار ۱۱ از یکطرف در گفتار صحبت از افشا و طرد بورژوازی میکرد اما در کردار، مرکز ثقل مبارزه را بر روی "حزب" میکذارد. در گفتار بورژوازی را مورد "حمله قرار میداد" ولی در کردار

پرچم دفاع از بخش دیگر بورژوازی را بلند میکرد. بیانیه ۱۱ ناگزیر بود برای دستیابی به استراتژی اهرتو نیستی خود یعنی برکنار کردن حزب جم.وری اسلامی به تحلیلهای بقیعد رصفحه ۱۲

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم ملتهاست

بحث آزاد ۰۰۰

روابط تشکیلاتی دسترس به نوشته ها و مطالب ندارند .  
 مطالب ستون بحث آزاد شامل نوشته های خواهد بود که  
 رفتی پیکارگر و محافل ، جناحهای درون سازمان پیکار و  
 احیاناً بعضی از جریانهای هوادار سوسیالیسم مستقیماً برای  
 چاپ در اختیار ما میگذارند و یا خود بصورت محدودی علمی  
 بخش کرده اند . نوشته های که بصورت علمی بخش نگردیده و  
 جزو اسناد درونی میباشند فقط با اجازه و توافق نویسند و یا  
 نویسندگان آمده خواهد شد . بعضی از مطالب هم بصورت  
 دفترهای بنام انتشارات پیکارگر چاپ خواهد رسید .  
 لازم بیاد اوی است که مسئولیت محتوای مطالب ستون آزاد به  
 عهده نویسند و یا نویسندگان بوده و بمعنای قبول مواضع آنها  
 از طرف پیکارگر نمیباشد . ما از تمام رفتار ، محافل ، جناحهای  
 سازمان میخواهیم که در صورت توافقین ریاست نوشته های خود  
 را که خواهان بخش علمی اش هستند در اختیار ما برای چاپ  
 و تکثیر بگذارند . پیکارگر

رفقا!

در ابتدا ذکر چند نکته را در مورد انتشارات سوسیالیستی  
 در انتشارات علمی (فرمان مطلق) لطفاً به محافل سازمان سوسیالیستی  
 شوروی در این زمینه و به آنجا که در این زمینه به مبارزه با اولاد سوسیالیستی  
 رفتار داشته بود (از نظر شوروی) هواداران آزاد به آنجا که اگر از سوسیالیست  
 است در تمام این موارد به حساب میآید و سوسیالیست سازمان سوسیالیستی  
 سازمان سوسیالیستی را که گویید خود را سوسیالیست میخوانند و در این  
 سازمان به حساب میآید (همچون سوسیالیست شوروی) و سوسیالیست  
 که حیوانات باغی است سازمان پیکار نوشته اند که به حساب میآید از سوسیالیست  
 مرتبه اول سوسیالیست است که همیشه شی از سازمانی که به اولاد سوسیالیست سازمان سوسیالیستی  
 سازمان سوسیالیستی است و سوسیالیست سازمان سوسیالیستی است و سوسیالیست  
 این سازمان را از خود هم اکبر سازمان سوسیالیستی است (سوسیالیست شوروی) را قبول  
 احزاب مبارزه با سوسیالیسم و دولت و اتحادیه های مبارزه با سوسیالیسم سازمان سوسیالیستی  
 سوسیالیست و سوسیالیست شوروی

این نامه به ادارات سوسیالیستی شوروی به خرد و روزنامه ارزانه انگلستان  
 سوسیالیست رفت و اصل آن در شماره مرحله اول ایران سوسیالیست در اینجا  
 بقیه در صفحه ۱۳

المطابق ۰۰۰۰  
 لپیرالها دست یازد ، شوری "مراحل"  
 را در پیشگیری و در نتیجه مرز بین  
 انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش نماید .  
 ارتداد آشکار از مارکسیسم - لنینیسم  
 که در بیانیه ۱۱ تظاهر مییافت ،  
 موج عظیم و گسترده ای را توسط  
 توده های سازمانی بر علیه آن موجب  
 گردید که باعث "عقب نشینی" سردمد  
 اران راست گردید .

و درست بخاطر همین مشی اپرتو  
 نیستی و راستشان بود که مورد  
 استقبال اتحاد مبارزان قرار میگیرند  
 و اینها بدرستی خود در بیانیه  
 وحدتشان می نویسند " به این اعتبار  
 ما ناگزیر میبایست به دست برد های  
 مارکسیسم - انقلابی ایران که بطور  
 مشخص در کرمک و اتحاد مبارزان

کمونیست ناپندگی میشد نزدیک شیم  
 (از بیانیه وحدت - تأکید از پیکارگر)  
 بطوریکه میبینیم اینها با این  
 نظریاتشان کاملاً حق دارند که به  
 اتحاد مبارزان بپیوندند . آنها  
 در اصل فرقی با هم ندارند . هر دو  
 چه در زمینه مشی و برنامه و چه در  
 زمینه تشکیلات دارای مواضع  
 اپرتونیستی و خرده بورژوازی میباشند  
 از قدیم گفته اند کیبوترا کیبوترا کیبوترا  
 با زنند همجنس با همجنس پرواز  
 بقیه در صفحه ۱۳

پیکارگر

اطلاصه

نقد و اشعار (و نه تنها آن) به حرد و سوزآوری در مرحله انقلاب سوسیالیستی سرخورد کرده اند. بعد رنقا در باره مرحله انقلاب ایران و نیز انقلاب سوسیالیستی در اروپا و غیره مدین نده که به طبع به حرد مسائل استیضیح کننده است. اینها با شعر و مباحثه در آینده از مصلحت نظر است. مصلحت نظر است. مصلحت نظر است. مصلحت نظر است.

این بهم چسبیدنها شاید به ناد کردن یک جریان برای مدت کوتاه می باشد ولی مسلماً به انقلاب نخواهد انجامید.

پراتیک جنبش چپ ایران میباید مارا بهم نقد عمیقتری از گذشته رهنمون گردد.

تنها در پرتو این نقد است که ما میتوانیم از تکرار اشتباهات و انحرافات اجتناب کنیم. گاهی به پراتیک گذشته چنیس چپ ایران بط ما میو بد که گسست از اپورتنیسم صرفاً با تکیه بر میانی عام پارکسیسم سلتنیسم و پیاده نکردن آن در کردار معین، عدم تجزیه تحلیل زنده از مبارزه طبقاتی، تعمیق و لا یف عام و خاص کمونیستها، پیشبردن اید و وظایف، همسر نمیا شد و این مرزبند بها علیرغم صحت بخشی از آن در چهار جوه تمام هرگز نمیتواند مرزهای اید شو لوزک قاطعاً برای تأیید یک جریان پروتاری با شد.

این درس بزرگی است که چپها و ایران باید بیاموزند و در عمل بکار برند.

در خاسته لازم بیاد آوری است کماز اتحادیه جهانی هوادار سابق پیکار چه قبل و چه بعد از انشعاب حتی یک نفر از بیانییه روزو نیستی بقیه در صفحه ۵

نقد و اشعار (و نه تنها آن) به حرد و سوزآوری در مرحله انقلاب سوسیالیستی سرخورد کرده اند. بعد رنقا در باره مرحله انقلاب ایران و نیز انقلاب سوسیالیستی در اروپا و غیره مدین نده که به طبع به حرد مسائل استیضیح کننده است. اینها با شعر و مباحثه در آینده از مصلحت نظر است. مصلحت نظر است. مصلحت نظر است.

نقد و اشعار (و نه تنها آن) به حرد و سوزآوری در مرحله انقلاب سوسیالیستی سرخورد کرده اند. بعد رنقا در باره مرحله انقلاب ایران و نیز انقلاب سوسیالیستی در اروپا و غیره مدین نده که به طبع به حرد مسائل استیضیح کننده است. اینها با شعر و مباحثه در آینده از مصلحت نظر است. مصلحت نظر است. مصلحت نظر است.

- ۱ - شیوه مارکسیستی سرخورد - حرد و سوزآوری در مرحله انقلاب سوسیالیستی
- ۲ - نقد دوران در راهنامه شماره ۱ - حرد و سوزآوری
- ۳ - در باره سوسیالیسم حرد و سوزآوری
- ۴ - در باره دمکراتیسم حرد و سوزآوری
- ۵ - سرخورد به انحرافات اپورتنیستی "چپ"

- ۱ - شیوه سرخورد به انحرافات سوسیالیستی
- ۲ - "شاهدین" دوره دوم
- ۳ - دوره اول (دوره سوسیالیسم)
- ۴ - دوره دوم (دوره اپورتنیسم عام)
- ۵ - دوره سوم (دوره سوسیالیسم)

- ۱ - "شاهدین" شماره "دمکرات انقلاب"
- ۲ - "شاهدین" شماره "سوی سوسیالیسم"
- ۳ - "شاهدین" شماره "حرد و سوزآوری"
- ۴ - "شاهدین" شماره "تئوری سوزآوری"
- ۵ - ضد انقلاب "شاهدین" از اید و وظایف سوسیالیستی

نقد و اشعار (و نه تنها آن) به حرد و سوزآوری در مرحله انقلاب سوسیالیستی سرخورد کرده اند. بعد رنقا در باره مرحله انقلاب ایران و نیز انقلاب سوسیالیستی در اروپا و غیره مدین نده که به طبع به حرد مسائل استیضیح کننده است. اینها با شعر و مباحثه در آینده از مصلحت نظر است. مصلحت نظر است. مصلحت نظر است.

### بخش اول: برخورد نشوریك به خرده بورژوازی

#### ۱- شیوه مارکسیستی برخورد به خرده بورژوازی در جامعه سرمایه داری

در غربلی که پرولتاریا با به عرصه وجود گذارته است مارکسیستها با بیکار - گیری نشوری مبارزه طبقاتی در برخورد به طبقات اجتماعی و طبقاتی از زاویه دفاع از منافع پرولتاریا حرکت میکنند. این نقشه حرکت را مارکسیستها در جامعه سرمایه داری به نظر مورد تأکید قرار میدهند زیرا در این جامعه دو طبقه اساسی در عرصه مبارزه طبقاتی، پرولتاریا و بورژوازی در مقابل یکدیگر فرار دارند. مارکسیستها با حرکت از منافع پرولتاریا در مبارزه علیه بورژوازی است که به خرده بورژوازی برخورد میکنند و اولین مطلبی را که در نظر خود قرار میدهند اینست که خرده بورژوازی چه نقشی در مبارزه طبقاتی جامعه - چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی - ایفا میکند؟ از آنجا که منای مبارزه طبقاتی جامعه سرمایه داری استثمار سرمایه از کار است مارکسیستها در برخورد به خرده بورژوازی قبل از هر چیز از خود سؤال میکنند که خرده بورژوازی چه جایگاهی در ارتباط با استثمار سرمایه از کار دارد؟ از آنجا که تضاد کار و سرمایه در سطح جامعه بصورت مبارزه طبقاتی پرولتاریا و بورژوازی خود را مینمایاند حرکت از " استثمار سرمایه از کار" از نظر مارکسیستها به مفهوم يك اقتصادگرایی يك حائنه نبوده و مفهوم دیالکتیکی آن اینست که مارکسیستها - با در نظر گرفتن شرایط تاریخی و آرایش قوای طبقاتی جامعه مورد نظر - در برخورد به خرده بورژوازی بلافاصله از خود سؤال میکنند که خرده بورژوازی چه جایگاهی در مبارزه طبقاتی پرولتاریا و بورژوازی دارد؟ به عبارت دیگر مارکسیستها به خرده بورژوازی از زاویه رعد مبارزه طبقاتی پرولتاریا می نگرند.

شیوه برخورد مارکسیستی به طبقات اساسی - مبتنی بر این اصل است که مارکسیستها به طبقات در چهار جوب مبارزه طبقاتی حاری در سطح جامعه برخورد میکنند و با بررسی موقعیت اقتصادی - اجتماعی تاریخی هر طبقه مهاگاه آنها در مبارزه طبقاتی منحص می نماید. از این لحاظ مارکسیستها با دیدگاه روبریونیستی ای که در برخورد به طبقات منبنا را نه مبارزه طبقاتی

## بحث آزاد ...

بلکه برخورد به نیروهای مولده فرار میبندد، مرزبندی دارند. بطور متخلفانه سرمایه داری، این دیدگاه روبرهونیستی مسازر رند نیروهای مولده سرمایه داری فرار میبندد. هر صورتی که مارکسیستها مسازر را رشد مسازره تلفاتی برولتاریا میبندند. در برخورد به خرده بوروازی در جامعه سرمایه داری مارکسیستها از خود میپرسند که آیا خرده بوروازی در ارتباط با مسئله استثمار و مسازره تلفاتی در شرایط تاریخی و ملی مشخصه داری است؟ آیا استعمار میشود با اینکه استثمار و نتیجتاً سرمایه اندوزی میکند؟ آیا در عرصه مسازره تلفاتی جانب برولتاریا را میگیرد یا جانب بوروازی را؟ پاسخ به این سوال و اساساً پاسخ به سوال دوم است که جایگاه خرده بوروازی را روشن میکند.

در این مورد پاسخ "مانیفست حزب کمونیست" چنین است:

"بین همه تلفاتی که اکنون در ساحت بوروازی فرار دارند تنها برولتاریا یک تلفه واقعی انقلابی است. تمام تلفات دیگر بر اثر تکامل صنایع بزرگراه انحطاط و زوال میبندند و حال آنکه برولتاریا خود نمره و محصول صنایع بزرگ است.

صنوف متوسطه یعنی صاحبان صنایع کوچک، سوداگران خرده با بیبشوران و دهقانان، همگی برای آنکه حتی خود را نمیتوانند متوسطه از روال برهانند با بوروازی نبرد میکنند. بی آنها انقلابی نیستند بلکه جاهلانه کارند. حتی از این هم بالاتر، آنها مرتجعند هرگز مسازرند تا جریح تاریخ را به عقب باز گردانند. اگر آنها انقلابی هم مانند تنها از این جهت است که در معرفی این خطرند که به صنوف برولتاریا رانده شوند، لذا از منافع آنی خود دفاع نمیکنند بلکه از مصالح آنی خویش مدافعه مینمایند. همین نظریات خویش را تکرار میکنند تا نظر برولتاریا را بپذیرند." (مارکس و انگلس، مانیفست، ص ۱۰۵)

به عبارت دیگر در جامعه سرمایه داری از زمانی که بوروازی، نفس انقلابی خود را در مسازره مند فتوالتی به پایان رسانیده، تنها تلفه و انما انقلابی برولتاریاست. زیرا که فقط این تلفه و انما "و کابلاً" خواست انهدام سرمایه داری و از بین بردن استثمار را دارد.

خرده بوروازی انقلابی نیست بلکه محافظه کار (خواستار حفظ سرمایه داری) و حتی ارتجاعی (خواستار بازگشت به نظامات مافیل سرمایه داری) است. از آنجا که خرده بوروازی مسازر برنامه مستقلی ندارد در چهارچوب بوروازیها در چهارچوب برنامه های ارتجاعی قدم برمیدارد.

بحث آزاد ۰۰۰

خرده‌بوروزوازی تنها سه غزلی انقلابی است که از این چهارجوب‌بتر آمده و برنامه‌برولتاریا را میبپذرد.

این حکم مارکستی - مانیفست - مبنای نگرش ما در برخورد به خرده‌بوروزوازی - است و هر گونه برخورد دیگری ضد مارکستی میباشد. در برخورد بدین افشار باید از خود شوال کرد که آیا خرده‌بوروزوازی موع خود را ( برنامه خود را که همان برنامه بوروزوازی است ) ترک میکند تا موع برولتاریا را ( برنامه برولتاریا ) در هر مرحله از انقلاب بپذیرد ؟ اگر نفی برنامه عویش میکند انقلابی است و گرنه بهیچوجه نمیتواند انقلابی - ارزیابی گردد. این آن معیاری است که در برخورد به خرده‌بوروزواری و هر یک از افشار ترونی آن معنی باثین ترین آن میباشد معیار اساسی انقلابی بدین مابد پیکار گرفته شود. طبیعتا پذیرش برنامه برولتاریا فقط از جانب افشاری امکان پذیر است که از لحاظ موقعیت اقتصادی و اجتماعی و تاریخی خود دارای چنین پتانسیلی باشند. بیاور مثال در حوامع سرمایه داری که مستقیما در مرحله انقلاب سوسیالیستی فرار دارند فقط افشار باثین خرده - بوروزوازی دارای چنین پتانسیلی هستند و بدین علت است که " مانیفست " در ارتباط با چنین حوامعی فقط افشار خرده‌بوروزوازی را انقلابی میدانند که " در معرض این خطرند که به صفوف برولتاریا رانده شوند. "

( ادامه دارد )

<p>نسخه و گرامر وی سوسیالیستی اول</p> <p>بش از یوفان</p>  <p>و. ای. لنین</p> <p>انتشارات پیکارگر</p>	<p>نسخه و گرامر وی سوسیالیستی اول</p> <p><b>جنگ پارتیزانی</b></p>  <p>و. ای. لنین</p> <p>انتشارات پیکارگر</p>	<p>نسخه و گرامر وی سوسیالیستی اول</p> <p>مبارزه مسلحانه</p> <p>جدازتوده</p>  <p>و. ای. لنین</p> <p>انتشارات پیکارگر</p>	<p>نسخه و گرامر وی سوسیالیستی اول</p> <p>در راه</p> <p>مرحله انقلاب</p> <p>ایران</p> <p>دستر دوم</p> <p>انتشارات پیکارگر</p>
--	--	--	--

پس روز باد هم بستگی خلق های جهان  
برای نابودی امپریالیسم جهانی